

مثلت قدرت و خشونت در کشور کیهانند؟؟؟:

دولت فعلی، جنگ سالاران محلی و گروه های تروریستی

(صبح)

به شهر آشنایی ها وفا نیست
برنگ دوستی رنگ صفا نیست
برو بنگر خراب آباد ما را
به آهی بی نوا کس آشنا نیست.

روزی بهلول بر هارون وارد شد. هارون گفت: ای بهلول مرا پندی ده. بهلول گفت: اگر در بیابانی هیچ آبی نباشد تشنگی بر تو غلبه کند و می خواهی به هلاکت بررسی چه می دهی تا تو را جرئه ای آب دهند که خود را سیراب کنی؟ گفت: صد دینار طلا. بهلول گفت اگر صاحب آن به پول رضایت ندهد چه می دهی؟ گفت: نصف پادشاهی خود را می دهم. بهلول گفت: پس از آنکه آشامیدی، اگر به مرض حیس الیوم مبتلا گردی و نتوانی آن را رفع کنی، باز چه می دهی تا کسی آن مریضی را از بین ببرد؟ هارون گفت: نصف دیگر پادشاهی خود را می دهم. بهلول گفت: پس مغرور به این پادشاهی نباش که قیمت آن یک جرعه آب بیش نیست. آیا سزاوار نیست که با خلق خدای عزوجل نیکوئی کنی؟!



زمانیکه صفحات تاریخ حاکمیت در افغانستان را مرور میکنیم، سوگمندان و سوگوارانه حاکمان کنونی را یکی از بی اراده ترین، بی اداره ترین، ضعیف ترین، روزگزاران ترین، بی مسولیت ترین، بی پروا ترین، گوشه گیر ترین، بی خبر ترین زمامداران از درد میهن و ملت، راحت طلب ترین، با فاصله ترین حاکمان از مردم وطن و . . . میابیم. و همچنان گراف جرم و جنایت بالا رفته است و مقامات بلند پایه دولت با چنگ و دندان بخاطر چور و چپاول دارایی عامه بجان ملت افتیده اند.

تقویت و تسلط جنگسالاران بی رحم بر زندگی مردم و موجودیت تفکر بنیاد گرایی و تلاش در جهت تحکیم آن، بر علاوه: استبداد طولانی و تاریخی، نظام مرد سالارانه و پدرسالارانه، از هم گسیختگی تاریخی و اجتماعی، فقر شدید و جانسوز، جهل و تعصب و دهها عامل دیگر، مانع جوانه زدن ریشه های آزادی و دموکراسی در کشور ما میگردد. تعرض خشونت آمیز جنایی - دزدی مسلحانه، اخاذی و آدم ربایی توسط نیروهای نظامی، پولیس و امنیت ملی - تعرض بر مطبوعات و فعالان سیاسی، و نقض جدی حقوق انسانی زنان و دختران، با گذشت هر روز بیشتر از روز قبل ادامه پیدا مینماید.

پس سقوط "طالبان" وضعیت کشور نه تنها روند رو به بهبودی را نه پیمود بلکه که روز به روز وضعیت بدتر شده است وقتی به شهرها نگاه کنیم جز بدبختی و ویرانی و مشکلات چیز دیگری به چشم نمی خورد در کشور اگر ساختمان و خانه مجالی دیده می شود از رهبران احزاب، قوماندانان جهادی، اطرافیان رئیس جمهور و وزیران کابینه، اعضای بلند پایه دولت، وابستگان آنها و مربوط به صاحبان زور و زر است که از خون و پوست و گوشت مردم مظلوم ساخته شده است این در حالی است که مردم ما دنبال يك لقمه نان سرگردانند وضعیت کار در کشور به حدی خراب است اگر خانواده ها خویش و قومی در بیرون از مملکت نداشته باشند چاره ای جز مردن ندارند. زمامداران و دولتمردان کشور آنقدر بی کفایتند که نتوانستند بستر مناسبی را برای جذب کمک های بشردوستانه کشورهای جهان آنطور که باید و شاید در کشور رهایی یافته از چنگ جنگ و دور شدن افراطیون دستاردار و لغزیدن در چنگال پکولداران، فراهم کنند و اندک کمک هایی هم که صورت گرفته است نتوانسته است از فقر و تنگدستی مردم جلوگیری کند. از طرف دیگر نا امنی روز به روز تشدید شده است، پس از سپری شدن چند سال از عمر حکومت کرزی هنوز پولیس و اردوی ملی به معنی واقعی کلمه شکل نگرفته است و هنوز امنیت وابسته به حضور نیروهای بیگانه است.

درین گیر و دار چند شرکت مخابراتی که با پول اجنبی ها چون خَساک بجان مردم چسپیده اند و روزانه میلیونها افغانی را به تاراج میبرند و کیفیت مخابراتی نیز در اکثر اوقات ضرب صفر است. یکی از شرکت های مخابراتی که بخاطر خوش خدمتی و تبلیغات زیرکانه به نفع اجنبی ها و کمپنی تجارتي اش

رسانه های صوتی، تصویری و چاپی را نیز مدیریت مینماید و خود میگوید که حدود سه میلیون مشتری دارد و اگر حسب گفته خود ایشان محاسبه نماییم و هر مشتری اگر روز ده افغانی را مصرف ارتباطات مخابراتی نماید و این شرکت روزانه سی میلیون افغانی نفع میبرد و وزارت مخابرات و ادارات کنترول و تقنیش دولت نیز از خدمات ضعیف و از عملکرد چپاولگرانه آن چشم بسته عبور نموده و آب از آب تکان نمیخورد.

سیستم اداری طی سالها جنگ و قدرت خواهی از هم پاشیده و تا اکنون نه تنها این سیستم اصلاح نشده است بلکه بی عدالتی ها و حق تلفی ها در آن بیداد میکند، در ادارات دولتی رشوت آنچنان دهن باز کرده است که هیچکسی نمیتواند جلو این پدیده منفی را بگیرد. وقتی در کشور امنیت نباشد ستون های اقتصاد در آن فرو ریخته باشد وقتی صاحبان قدرت و رهبران سیاسی فقط به فکر چور و چپاول حضور دارند، وقتی در جاده های ویران و پر از خاک و سنگ موترهای مدل سال سوار می شوند، وقتی شرکت های تجاری تاسیس کرده و به تجارت و زراندوزی می پردازند، وقتی روی پیکر بی جان و روی شانه های پر زخم وطن برای خود و فرزندان شان کاخ می سازند، وقتی جهاد و مقاومت را برای فریب یک تعداد کوردلان و گمراهان بخاطر موجودیت ننگین شان صادر مینمایند، وقتی که برای آب گیل کردن و ماهی گرفتن و موجودیت بقای شرم آور خویش بنام افغان و افغانستانی و شمالی و جنوبی و تاجیک و هزاره و پشتون بودن، وقتی حق و حقوق هزاران یتیم و بیوه و حق مردم جنگ زده را حیف و میل نموده و به شهرک سازی ها می پردازند، وقتی زنان را موجود درجه دوم و سخنان دو زن را به اندازه یک مرد ارزش میدهند، وقتی که برای پول و قدرت از هیچگونه اعمال ننگین و ائتلاف های شرمگین دریغ نمیکند، وقتی که قرآن، خانه خدا و مقدسات دینی را وسیله ی برای دروغگویی و جنایت ضد بشری خویش قرار میدهند، وقتی با باند و گروههای قاتل و آدمکش خویش دست به جنایت، دسیسه و توطئه میزنند، وقتی دستی های ناپاک شان با موجودیت نیروی نظامی حدود چهل کشور خارجی به خون مردم مظلوم رنگین است که مجبورند در خانه ها و دفاتر کاری خویش دهها محافظ داشته باشند و از این طریق مصارف سنگینی را بر جامعه تحمیل کنند، وقتی آنان بار دوش ملت اند و نه درد دارند و نه درک، وقتی از روی کبر و غرور جز خود و فامیل و اطرافیان بقیه مردم را با هزاران درد و رنج نمی بینند و ملت را با تقلید از باداران ایرانی خویش خس و خاشاک مینامند با این حال بی مورد نیست که کشور به جای آبادی جاده نابودی را ببیند.

امروز مردم ستم دیده ما ابتدایی ترین امکانات زندگی را در اختیار ندارند و از نظر صحی، تعلیم و تربیه و کسب و کار و دربخش های مختلف زنده گی دچار مشکل هستند. آمریکایی ها خوشحالند که در کشور

دموکراسی آورده اند اما مردم قبل از همه نان، امنیت، رفاه و آسایش میخواهند. پس ایجاد کمیسیون و کمیسیون بازی از جمله کمیسیون نام نهاد صلح که یکی از جنگجویان مشهور و غاصب قدرت، کرسی و پول را در راسش گماشته اند، و "طالبان" نه کمیسیون را به رسمیت میشناسند و نه گماشته انتصابی را، چه دردی را دوا خواهد کرد.

سیر جدید حوادث پرسش های زیادی را برای ناظران سیاسی مطرح کرده است. در کانون این حوادث سؤال انگیز تحرکات "طالبان" قرار دارد. نشانی و مسیر حرکت کاروان نظامی "طالبان" را همه در دست دارند. کسی نیست که نداند "طالبان" از کدام گذرگاه ها، مرزها و مناطق عملیات ضد دولتی خود را شروع می کنند. حتی قرارگاه ها و مرکزی که "طالبان" را سازماندهی و روانه صحنه های نبرد می کنند، اغلب آگاهان سیاسی می شناسند اما بجز انگلیس و آمریکا. ظاهر شدن يك گروپ زیر زمینی چندان مایه شگفتی نیست، بلکه نقاط تاریک ماجرا آنجا است که تروریستان از هم پاشیده "طالبان" در زمانی حضور دوباره خود را به رخ می کشند که هنوز قوای ناتو برای مبارزه با تروریزم گلو پاره میکنند.

از این رو این پرسش معما گونه ذهن ها را به خود مشغول ساخته است که برآستی بازگشت نیروهای فراری "طالبان" بر دوش کدامین قدرت سیاسی - امنیتی انجام می پذیرد. مدتی است که آرامش مردم ستم دیده و زجر کشیده کشور با صدای وحشت گام های "طالبان" آشفته شده است. خشونت های خونین در شرق، جنوب و پایتخت رو به افزایش است "طالبان" از همه شیوه های کشتار و وحشت برای اعلام موجودیت خود در صحنه کشور بهره می گیرند از ترور مقام های منسوب به دولت گرفته تا تعرض به مردم عادی و یا نیروهای مسلح. چرا ائتلاف کاخ سفید اقدامات قاطعی در زمینه انجام نمیدهند؟. این در حالی است که "طالبان" در يك منطقه عملیاتی که در دو سوی آن دو متحد سرشناس آمریکا و غرب قرار گرفته اند ایفای نقش می کنند و جالب تر این است که همه طرف های منطقه ای و بین المللی با زبانی واحد از وجود آن ابراز خطر می کنند. طی این مدت چندین مقام سیاسی، امنیتی و نظامی غرب، با حضور در مقر رهبران متحد خود در کابل و اسلام آباد، قول پایان ناامنی در کشور و کمک قاطع پاکستان در امر مبارزه با تروریزم را دادند اما در عمل آنچه دیده شد، فقط تکرار و تداوم ماجراجویی، مداخله و قتل و کشتار بود و بس. بر این پایه همه چیز در کشور، ناامن و در هاله ای از ابهام و سر در گمی به سر می برد. تنها مردم نیستند که از تناقض های بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای کشور به تنگ آمده اند که اکنون بخشی از این سردرگمی دامن ناظران امور را نیز گرفته است.

جنگ با ترور حداقل از دو طریق بزرگ ترین خدمت را به نیروهای بنیادگرا ارائه داده است. از یک طرف با جذب نیروهای که از آغاز خود را به سیاست توسعه طلبانه آمریکا فروخته اند (تفنگداران و جنگ سالاران که خود را مجاهد مینامند)، قدرتی منفور که در پایتخت نشسته اند که شرح و فساد حیرت انگیز و تکان دهنده آنان در این مختصر نمی گنجد. این نیروی وابسته و فاسد که فاقد هر نوع مشروعیت است، تفاوتی با "طالبان" ندارند . . . از طرف دیگر کشتار مردم بی گناه و دامن زدن به ناامنی توسط نیروهای خارجی که متحد این دولت محسوب می شوند، و مرجعی برای پناه بردن نگذاشته است به جز همان "طالبان" مرتجع که حداقل با این دولت و نیروهای ناتو مخالفت میکنند.



زمانی که ناتو کنترل امور کشور را در دست گرفت، اکثر کشورها انتظار داشتند جنگ تا حد زیادی متوقف شده و نیرو های شان تمرکز بیشتری بر توسعه و تثبیت شرایط داشته باشند، اما در عوض، روز به روز بر تعداد مجروحین شان افزوده می شود و رهبران اروپایی هنوز نتوانسته اند در مورد مساله افغانستان و اینکه چرا برای از بین بردن "طالبان" و "القاعده" تلاش زیادی لازم است، به مردم خود پاسخ قانع کننده ای بدهند. موجودیت یکصد و پنجاه هزار نیروهای خارجی از حدود نزدیک به چهل کشور در افغانستان موجودیت نظامی دارند که از نظر جغرافیوی به اندازه یک ایالت آمریکا نیست و این قوتها با پیشرفته ترین و مدرن ترین سلاح و تجهیزات نظامی زمینی و هوایی مجهز اند و با گذشت هر روز درین جنگ تباہ کن و خانمانسوز زبون و زبون تر و شکسته و زمینگیر تر شده و مخالفین از تاکتیکهای بهتر و از روحیه ی قوی تر برخوردار و بسوی شهرها و بخصوص پایتخت در حالت پیشروی قرار دارند. عملیاتهای انتحاری و تروریستی در رژه نظامی هشت ثور در چمن حضوری، عملیات پلان شده بالای ریاست عمومی محابس و وزارت عدلیه در پنجاه متری ارگ ریاست جمهوری و حملات هر روزه در شهرها و بخصوص شهر کابل را چه نامگذاری مینمایند. آیا گروههای تروریستی که در غارها و کوهها سنگر گرفته اند تا این حدود نیرومند اند که هواپیماهای بدون سرنشین، هاواکس، بی ۵۲، اف شانزده و

اف هجده و راکت‌های کروز و پرشینگ و نیرومندترین اردوی دنیا یعنی قوت‌های زمینی و هوایی آمریکا، انگلیس، آلمان و مجموعاً کشورهای غربی نمیتوانند با آنان مقابله و رویارویی نمایند. و یا زیر کاسه نیم کاسه بی دیگری وجود دارد؟

کشور از بی ثباتی و بیدادگری در عذاب است، نبود فضایی گسترده و باز برای گفتگو، کار مشترک، هدف مشترک، اندیشه مشترک، صداقت مشترک، مسوولیت مشترک و دلسوزی مشترک رنج میبرد. مردم ما که در اثر جنگ‌ها و قدرت خواهیها همه امکانات و ظرفیتهای دست داشته را از دست داده اند، در ردیف فقیرترین مردم دنیا قرار گرفته و از همه مهمتر گرسنه گی دامنگیر اطفال، زنان و کهن سالان گردیده و روزانه صد ها انسان دست به گدایی زده و راه فرار و بیرون رفت از گرسنه گی را ندارند. دولت که متعهد گردیده بود تا عاید سرانه مردم را بلند میبرد، اما حداقل نتوانست و یا نخواست کارهای را انجام بدهد که اقلاً گراف گرسنه گی، فقر و تنگدستی را پایان آورده و یا مهار کرده باشد. اما روزانه میلیونها دالر مصرف جنگ و نظامیگری وسیله دولت و قوایی بیگانه مستقر در افغانستان میگردد. و میلیونها دالر دیگر از راه های مختلف به جیب معامله گران و قدرتمداران میریزد و به بانکهای دویی، ایران، روسیه، تاجیکستان، ترکیه، آمریکا، اروپا انتقال میگردد.

هرج و مرج و سر در گمی در درون حاکمیت، درماندگی و ناکارایی نیروهای ائتلاف، اختطاف ها و قانون گریزیها در مناطق تحت حاکمیت دولت، تنشها و تشنجهای روزافزون، دلسردی و نا امیدی مردم بی دفاع از قوت‌های دولتی و نیروهای خارجی مستقر در کشور، حضور چشمگیر و پیشروی های مخالفین، جنگ‌ها و رویارویهای جدید و حملات متداوم انتحاری و تروریستی "طالبان" در واقع به معنی ناکامی جامعه بین المللی برای محقق کردن تمام وعده هایی که بر اساس آنها زندگی بهتری را پس از جنگ برای مردم افغانستان به ارمغان خواهد آورد.

نزدیک به دهسال از حمله امریکا به افغانستان می گذرد و کشور هنوز از نبود امکانات اولیه رنج می برد و اکثر مردم کشور تنها به دنبال یک لقمه نان و یک سرپناه هستند. هشتاد تا نود فیصد مردم نگران تامین یک شکم نان برای خانواده هایشان هستند. اما در قلمرو دولت و نیروهای خارجی هر روز بخاطر مصروف سازی و پوشاندن اشتباهات و ناکامیهای دوامدار، شاهد بازیها و تنش آفرینهای متعددی هستیم.

زمانی رییس جمهور از موجودیت نیروهای بیگانه به مردم شکایت میبرد و بعد از چندی موجودیت این قوتها را حیاتی و ضروری میداند و روز دیگر از در دشمنی و کینه خواهی پیش میاید و دست دوستی و همکاری را بسوی کشورهای منطقه دراز نموده و خود را مالک این آب و خاک قلمداد مینماید. در مقابل خارجیها، دولت کرزی را دولت قاچاق و فساد خطاب نموده و از عملکرد اداره وی تا نیویارک تایمز،

واشننگتن پست، فاکس نیوز و سی.ان.ان و سی.بی.سی و بی.بی.سی شکایت میبرند و در گرما گرم این جنگ به اصطلاح زرگری چنین تعبیر میشود که کرسی نشینان کابل در یک محکمه بین المللی به جرم قاچاق، بی کفایتی، فساد و رشوت ستانی، بیکارگی و روزگذرانی، پاره گویی و دروغ پردازی محاکمه میشوند و سرنوشت کشور بدست مردم دردمند سپرده خواهد شد. اما بعد از چندی نه شکوه است و نه شکایت و نه حرف است و نه حکایت و گویی هیچکدام به دیگرش حرفی نگفته و سخنی نرانده است. در حقیقت همان قصه ی لحاف ملا است. میگویند: یک شام سرد زمستان - ملا با خانمش نشسته بود که در کوچه سر و صدایی بلند شد و ملا لحافی را که در دسترش قرار داشت به دورش پیچانده از منزل بیرون شد، درین زمان شخصی که شدیداً خنک خورده بود، چنگ زده لحاف ملا را ربود و ملا مایوس و نا امید بخانه برگشت، خانمش بدون مقدمه گفت که ملا در کوچه چه نزاع بود؟ و ملا مایوسانه گفت - هیچ، همه سر لحاف ما بود.

در پشت پرده هیچگونه کشیدگی و اختلافی بین آنان وجود ندارد. فقط و فقط خاک زدن به چشم مردم است. از یکطرف سخن از ناکامی و شکست قوای ناتو در افغانستان سرزبانها است و از جانب دیگر ناکامی استراتژی جنگی، و با این بازی ها چنین وا نمود نمایند که رییس جمهور شخصیت ملی، وطنپرست حقیقی، شخص با کفایت و درایت بوده و با عملکرد و موجودیت نیروهای خارجی مخالف بوده و کرزی صرف و صرف خیر و سعادت، سرفرازی نیک نامی کشور را میخواهد و تنها فردی است که میتواند مردم را از فقر و تنگدستی نجات بدهد. با این رنگها و نیرنگها میخواهند تا وی یکی دو دوره دیگر بر گرده ملت سوار شده تازیانه قدرت و شوکت بکوبد. کسی نیست که بگوید طی این سال های دور و دراز چه دستاوردهای در عرصه های نظامی و امنیتی، سیاسی و حقوقی، اقتصادی و بازسازی، پایان حاکمیت های محلی، تامین نظم و امنیت قانون، دموکراسی و دولتداری، حقوق بشر، آزادی و عقیده و بیان وجود دارد؟

اما دولتمداران در کشور ما با گذشت نزدیک به دهسال از حضور جامعه جهانی و حاکمیت دولتی، هنوز که هنوز است مردم از نبود قانون، حاکمیت ملی، عدالت اجتماعی، کار به اهل کار، خویشخوری، گروپ بندی، خود سری، ملوک الطوائفی، خانواده سالاری، فساد های اخلاقی و اجتماعی، قوم گرایی و پارتی بازی رنج میبرند. مسوولیت پذیری، جواب گویی، حساب و محاسبه دهی حقیقی، خدمت به مردم خسته از بیروکراسی و توطئه گری بصورت مطلق وجود ندارد. اگر در حق مظلومی وسیله قدرتمداران، ثروتمندان و ظالمان- ستم شود و یا مستمندی مورد تحقیر و توهین و تجاوز واقع شود، به کجا و نزد کی شکایت ببرد؟ و یا کو مرجعی که حق مظلومی را از ظالم بستاند.؟

روزانه دهها اختطاف، قتل و غارت اتفاق می افتد و اما آب از آب تکان نمیخورد. و طی این دهسال قتل‌های سیاسی زیادی بوقوع پیوسته است، اما قاتلی در پنجه قانون سپرده نشده است تا درسی عبرتی شود برای قانون گریزان و ستمکاران، که دست از جرم و جنایت بردارند.

عرصه اقتصادی مثل سایر عرصه ها در هم و برهم گردیده است که به مشکل میتوان برای آن بنیاد و اساسی را در نظر گرفت، تعداد زیادی از مردم، به حرفه های کاذب و زیانبار رو آورده اند. که از جمله می توان به کشت، تولید و ترافیک مواد مخدر و قاچاق ثروتهای طبیعی اشاره کرد. بعد از فروپاشی حاکمیت "طالبان" و بیرون شدن کشور از انزوای مطلق و آغاز پروسه اصلاحات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، همچنان فقر بی سابقه گوی مردم را می فشارد زیرا برنامه فراگیر و همه جانبه برای مبارزه با این پدیده روی دست گرفته نشده است. کشور در شرایط موجود از کمکهای جامعه بین المللی نیز برخوردار بوده میتواند با برنامه ریزی های موثر اقتصادی با پدیده فقر که از سالها دامنگیر ملت ماست، مجادله موثر داشته باشد.

از طرف دیگر شوربختانه خشک سالی و قحطی بر مردم کشور غالب شده و تمام محصولات زراعتی به دلیل کمبود آب از بین رفته اند. مخصوصاً محصولات للمی که در بسیاری از مناطق کشور بخش مهمی از تولیدات غله را تشکیل می داد، هشتاد تا نود فیصد از بین رفته و محصولی نداده است. در بسیاری از مناطق هم کار به جایی رسیده که مردم حتی آب آشامیدنی ندارند و برای تأمین آب آشامیدنی خود مجبور هستند تا کیلومترها راه را بپیمایند تا شاید آبی برای آشامیدن پیدا کنند. با این مشکل می توان درك کرد که بحران تا چه حد خطرناك و جدی است و بسیاری از هموطنان ما در خطر مستقیم گرسنه گی هستند. متأسفانه، دولت تا وقتی که وارد به استخوان نرسد، هیچ اقدامی نمی کند و مسئله را جدی نمی گیرد و بعد از جدی شدن موضوع، شروع به پیدا کردن راه ها و تقاضای کمکها می کند که اکثراً هم این کمکها بسیار دیر به دست مردم می رسند و گاهی وسیله دلالان و زورمندان به تاراج برده میشود و یا نوشدارویی می شوند بعد از مرگ سهراب. با اندوه و درد کشت - تولید و قاچاق مواد مخدر یکی از پرابلمهای عمده کشور طی سالیان اخیر بوده است. متأسفانه بخش اعظم این مواد کشنده در افغانستان تولید می شود.

طبق گزارش سازمانهای بین المللی نود فی صد هیروئین مصرفی اروپا و هشتاد فیصد مواد مخدر مورد نیاز در سرتاسر جهان در کشور ما تولید می شود و توسط باندهای مافیای داخلی و بین المللی به بازارهای آسیا، اروپا و آمریکا ترانزیت و قاچاق می شود. اما در جهت جلوگیری از تولید و قاچاق مواد مخدر، علی رغم تبلیغات گسترده که در سطح کشور و جهان انجام شده و نهادهای متعددی که با هدف

مبارزه با آن در کشور ایجاد گردیده است، باز هم، در اکثر نقاط کشور، دهها هزار هکتار از زمینهای زراعتی به کشت کوکنار اختصاص یافته است.

بسیاری از دست اندرکاران اقتصادی ادامه این روند را از جهات مختلف برای کشور خطرناک می دانند. از جمله آنکه، اکنون اقتصاد کشور متکی به مواد مخدر شده و بسیاری از مقامات دولتی در تولید و قاچاق مواد مخدر دست دارند. برین مبنا، احتمال می رود روز به روز سلطه مافیای مواد مخدر بر سیاست و اقتصاد کشور افزایش یابد و جامعه جهانی کمکها و مساعدتهای خویشرا قطع نمایند و یکبار دیگر افغانستان به فراموشی و انزوا سوق گردد. در کشور بعضی از مقامات دولتی، مسولین نظامی و تنظیمی در تولید و قاچاق مواد مخدر دست دارند. و به همین دلیل کشت تریاک بدون هراس و آزادانه انجام می شود و به سهولت به خارج از کشور قاچاق می گردد.

بارنت رابین استاد روابط خارجی پوهنتون نیویارک میگوید، اقتصاد مواد مخدر در افغانستان هر روز بزرگتر می شود و این مساله به دلیل ضعف دولت در کنترل عوامل آن است. ضعف سیاستهای امنیتی و اقتصادی در افغانستان سبب می شود تا هر روز بر شماری افرادی که وارد این صنعت می شوند افزوده شود. امارها نشان می دهد از سال دوهزار و یک تا به حال نه تنها سهم تولید تریاک در افغانستان کاهش پیدا نکرده بلکه اکنون نود درصد از مواد مخدر مصرفی جهان را تامین می کند و این به معنی فاجعه ی بزرگ برای افغانستان و جهان است. پس از فروپاشی "طالبان" و حضور نیروهای ائتلاف در کشور این تصور وجود داشت که با موجودیت این نیروها امنیت به سرعت در سراسر کشور برقرار خواهد شد. اما به دلایل مختلف نشد.

پس از استقرار دولت جدید کنفرانسهایی متعددی چون توکیو، برلین، لندن و کابل با وعده های کمک چند میلیارد دلری برگزار گردید در حالی که هیچ گاه به طور دقیق روشن نشد که این کمکها چگونه و در چه راهی باید به مصرف برسد چنانکه بیشتر کمکهایی که از سوی ایالات متحده اعلام شده بود به مصارف نظامی اختصاص پیدا کرد.

طبق اظهار مقامات دولتی در کنفرانس ها، جامعه جهانی وعده داد مبلغ ۳۹/۵ میلیارد دالر به کشور کمک کند و از این مبلغ تا کنون قرار داد ۲۵/۵ میلیارد دالر آن به امضاء رسیده و از مجموع این ۲۵/۵ میلیارد دالر ۱۵/۲ میلیارد دالر آن در امر بازسازی مصرف شده است. اما مقامات دولتی نمیگویند که این مبلغ چگونه و درکجا به مصرف رسیده است.؟ مهمترین عوامل کندی روند بازسازی کشور را می توان در بی اعتمادی جامعه جهانی به دولت نسبت داد. جامعه بین المللی و به خصوص ایالات متحده و اروپا در شرایطی حمایت خود را از دولت جدید اعلام کردند که در عمل حاضر نبودند کمکهای توافق شده در

اجلاس مختلف را مستقیماً در اختیار ادارات دولتی قرار دهند. طی این سال ها جامعه بین المللی میلیارد ها دالر به افغانستان کمک کرده که از مجموع این کمکها فقط بیست و دوفیصد به دولت رسیده و بقیه به دیگر نهادهای خارجی و داخلی واگذار شده است.

فساد اداری و امکان حیف و میل پولها در سیستم بروکراسی دولتی ظاهراً مهمترین دلیل برای این مسأله عنوان شده است. اما سؤال اینست که آیا درسازمانهای بین المللی و مؤسسات غیردولتی چنین امکانی وجود ندارد؟ بی دلیل نیست که در رابطه با مفید بودن چنین مکانیسمی تردیدها و اعتراضهای زیادی از سوی مردم و حتی مقامهای دولتی مطرح شده است. ازین حقیقت نباید منکر شد که تا زمانیکه دولت و ملت خود اقدام لازم را انجام ندهند، بازسازی به پیش نخواهد رفت همچنانکه تا کنون موفقیت چندانی نداشته است.

پول پیدا کردن و قدرت داشتن در کشور از هر راهی برای زورمندان و قانون گریزان مشروع است و به خاطر پول و چوکی به هر کاری- اعم از رشوت، قاچاق، چپاولگری، وطنفروشی، حتی معامله های پیدا و پنهان منطقی و بین المللی بر ضد وطن و مردم وطن روا پنداشته میشود. درین مدت قشر نوپای از سرمایه داران، دلالان، نوکیسه گان، افراد و اشخاصی نزدیک به مقامات کشوری و لشکری، چاپلوسان، درباریان، سبوتازان، تاجران خون و آتش، بازاریان بی بند و بار، دستیاران سبوتازگران بین المللی، مافیای اقتصادی، نظامیان پول پرست خارجی و . . . با حرکت های کنش دار کشور را بسوی نابودی و پرتگاه هدایت و مدیریت مینمایند. این روند با گروپهای پخپل سر که برضد منافع عمومی عمل مینمایند، جامعه را به کجا سوق خواهند داد. آن ها تابعیت کشورهای غربی و شرقی را دارند و برای تامین منافع خارجیان عمل نموده و سرمایه اندوخته اند. علی رغم موجودیت دولت، حضور صدوپنجاه هزار نیروی خارجی، تشکیل اردوی ملی، پولیس ملی و امنیت ملی، هنوزکشور تا برقراری صلح و امنیت کامل فاصله زیادی دارد.

دلیل این امر حضور نیروهای سلاحدار و غیرمسوول و خود سر در جامعه است که همچنان مسئله تداوم حاکمیت، قانونیت و عدالت را زیر سوال میبرد. ظالمان و زورگویانی که در کرسی های قدرت لمیده اند سالیان درازی از چور و چپاول، از دزدی و راه گیری، از زورگویی و بی بندوباری، از کشتن و بستن و بردن، از بی قانونی و پخپل سری و از ظلم و وحشت ثروت انداخته اند. آنان نه نظام حقوقی میخواهند و نه قانونی و دولرداری. در کشوری که تفنگ، جنگ، ظلم، وحشت، بربریت، بستن و بردن حرف اول را بگوید نامبردن از دموکراسی و دولرداری حرف پیش پا افتیده ای است که هیچکسی با آن توجه نمیکند. دولت خود را به مصالح گروه های گوناگون متعهد می داند و بر همین اساس روزانه برنامه می سازد. با

قدرتمندان درون دولت، با قوماندانان محلی، نیروهای محافظه کار، با جامعه جهانی و . . . و بر آیند آن نیز همین است که هست. در این میان آنکه هرگز مورد توجه قرار نمی گیرد و نقشی را که می تواند بر عهده بگیرند نادیده گرفته میشود اکثریت مردم کشور است که از فقر و بیماری و بی سر پناهی و بیکاری رنج می برند. کشوری که با گرسنگی؛ فقر و قحطی دست و پنجه نرم می کند - دولت با تشکیل ادارات استخباراتی و پولیسی و با بودجه کمرشکن و با خشونت و زورگویی یکی پی دیگری عرض اندام نموده بر درد مردم افزوده می شود، این است دموکراسی و حکومت شایسته سالاری که می خواهد به حیات خویش ادامه بدهد و دموکراسی را به ارمغان بیاورد و در قلبهای رنجور و دردمند با خون بنویسند دموکراسی.



وزارت خارجه آمریکا در گزارشی درمورد افغانستان مینویسد: ادامه شورش مرگبار، ضعف اداری و موسسات سنتی و عنعنوی، فساد اداری، قاچاق مواد مخدر و میراث دو نیم دهه جنگ، عللی است که مانع بهبود وضع حقوق بشر در افغانستان شده است. مشکلات حقوق بشر در افغانستان ادامه دارد، بشمول کشتار های بدون محاکمه، شکنجه، شرایط خراب زندان ها، معافیت از مجازات مامورین بلند پایه، محدودیت های روز افزون بر آزادی مطبوعات، محدودیت ها بر آزادی های مذهبی، خشونت و تبعیض اجتماعی علیه زنان و اقلیت ها، قاچاق انسان، تجاوز بر حقوق کارگران و استخدام اطفال برای کار. در حالیکه مقامات ملکی بطور عموم کنترل موثر بر قوای امنیتی دارند، مواردی وجود داشته است که اعضای قوای امنیتی مستقلانه و بدون اجازه حکومت، عمل کرده اند. به اساس گزارش های متعدد، حکومت و یا نمایندگان آن، به کشتار های مستبدانه و غیر قانونی دست میزنند.

قلت پولیس تربیه دیده، زیربنای نا چیز و مواصلات معدود، و یک نظام ضعیف عدلی، در راه تحقیقات در مورد اقدامات غیر قانونی یک مانع بوده و از ثبت و شمارش موثق حوادث، جلوگیری میکند.

علاوتاً، در جریان جنگ ها، تلفات افراد ملکی، کشتار های شخصیت ها توسط عناصر مرموز و کشتار های ناشی از انگیزه های سیاسی . . . به وقوع پیوسته است. در نتیجه خشونت های دهشت افگنان وابسته به "طالبان"، "القاعده" و حزب اسلامی گلبدین حکمتیار در سال ۲۰۰۷ یک تعداد زیاد افراد ملکی کشته شدند. خشونت ها توسط این گروه ها شامل افزایش در تعداد حملات دهشت افگنی، با استفاده از بم گذاری های انتحاری است. در طول یکسال، در اثر خشونت شورشیان بیش از ۶۵۰۰ افراد ملکی و پرسونل نظامی کشته شدند . . . حملات بر قوای امنیتی حکومت، ساز مان های بین المللی، کارمندان امداد بین المللی، همکاران محلی آنها، منافع خارجی و اتباع داخلی، افزایش یافت که بعضی سازمان ها را وادار ساخت تا فعالیت های انکشافی و یا بشر دوستانه خود را محدود سازند و یا بعضی نواحی کشور را ترک گویند.

مخالفین ظاهراً کارمندان تیم های باز سازی ولایتی یعنی پی ار تی، سازمان های غیرحکومتی یعنی انجو ها و قرار دادی ها را بحیث وسیله جلوگیری از مساعی بازسازی و بیرون راندن جامعه امداد بین المللی از کشور، هدف قرار میدهند. در اختطاف های پر سر و صدای کارمندان انجو های خارجی، ژورنالیست ها و قرار دادی ها، افزایش قابل توجه صورت گرفته است. با وجودیکه قانون اساسی اختطاف را منع میکند، در طول سال، گزارش های از ناپدید شدن ها و اختطاف ها که جنایت کاران مرتکب میشوند، به نشر رسیده است. در بخش شکنجه، سایر مظالم و روش ها و برخورد های غیر انسانی که قانون اساسی افغانستان، همچو اعمال را منع میکند. مامورین حکومتی، مقامات در زندان محلی، قوماندانان امنیه و رهبران قبایلی، بر حقوق مردم تخطی میورزند.

انجوها گزارش میدهند که قوای امنیتی ظلم بیش از اندازه را بکار میبرند، بشمول لت و کوب و شکنجه افراد غیر نظامی. سرمنشی ملل متحد گزارشی را نشر و در آن خاطر نشان ساخته بود که یک قسمت قابل توجه قضایا، روش نا مطلوب و شکنجه، برای بدست آوردن اقرار و اعترافات زندانیان، بکار رفته است. و بتاريخ بیست و یک سپتمبر سال گذشته، یک گزارش دیگر نشر گردید که در آن گفته شده بود که حکومت باید اتهامات شکنجه زندانیان را توسط مامورین مخصوصاً اداره امنیت ملی، تحقیق کند. بتاريخ یازدهم ماه نومبر سال ۲۰۰۷ سازمان عفو بین المللی گزارشی را نشر و در آن گفته شد که زندانیان پیوسته معروض به شکنجه بوده و علاوه شده که گزارش های رسیده از افراد و سازمان های بین المللی حاکی از شکنجه و روش نا مطلوب توسط اداره امنیت ملی است.

مثال های متعدد از تخلف بر حقوق بشر در ولایات مختلف، بد رفتاری جنسی در زندان های دولتی ثبت شده است و بر اساس گزارش های مطبوعاتی "طالبان" نیز کسانی را که به پشتیبانی از ائتلاف و قوای حکومتی متهم میکنند، شکنجه و بعضاً به قتل میرسانند...

سازمان نظارت بر حقوق بشر می گوید کرزی باید با اتکا به حمایت مردمی موجود، افرادی را که جنایات گذشته به آنها منتسب دانسته می شود را کنار بگذارد. اما این سازمان در نامه یاد آوری می کند که او مسئول اداره کشوری است که جنگ سالاران و فرماندهان محلی هنوز از خشونت و زور و وحشت آفرینی برای مرعوب کردن بخش عظیمی از نفوس کشور استفاده می کنند. در این نامه از کرزی خواسته شده بود که نه تنها از انتساب چنین افرادی در کابینه خودداری کند بلکه برای کاستن از میزان قدرت آنها اقداماتی انجام دهد. (اما کرزی میگوید، اگر کاری انجام دهم دل درد شوم).

به عقیده ما مناسب ترین راه برای برقراری ثبات و امنیت بلند مدت در کشور، جمع آوری سلاح به هر وسیله ممکن و تامین عدالت انتقالی و توسعه بازسازی است با این حال روند بازسازی به دلایلی کند بوده است.

با توجه به وسعت زیاد خرابیها، میزان کمکهای بین المللی اختصاص یافته برای بازسازی کافی نیست. برخی کشورها به تعهدات خود عمل نکرده و برخی نیز اجرای پروژه ها را منوط به برقرار شدن ثبات و امنیت کرده اند. بخش زیادی از کمکهای اختصاص یافته هر کشور صرف کمکهای انساندوستانه و تامین هزینه های تردد و اقامت سازمان های غیردولتی و گروه های امدادی می شود. کمکهای اختصاص یافته کمتر در اختیار دولت قرار می گیرد و عمدتاً توسط کشورهای کمک دهنده و در قالب خدمات عمومی و انساندوستانه هزینه می گردد. علاوه بر اینها در بسیاری مواقع کمکها بیشتر جنبه شعاری و تبلیغاتی دارد تا کمکهای واقعی.

برای تسریع در روند بازسازی مناسب است يك کنفرانس بین المللی دیگر صرف و صرف بخاطر کمک به دولت و بازسازی ویرانه های وطن، تشکیل گردد و با در نظر گرفتن شرایط جدید در کشور، کمکهای مورد نیاز را به کشور اختصاص دهد. با در نظر داشت مشکلات امنیتی و امتناع برخی کشورها از حضور در افغانستان، یکی از مناسب ترین راه ها افزایش نقش کشورهای همسایه در بازسازی کشور است. به دلیل حمایتهای پیدا و پنهان پاکستان از "طالبان" و حکمتیار، افغانها و جامعه بین المللی نگرش مثبتی نسبت به عملکرد پاکستان ندارند. ضروری است به کشورهای کمک دهنده توصیه شود کمکهای خود را بیش از آن که صرف خدمات انساندوستانه می نمایند صرف پروژه های زیربنایی سازند.

از مقاله های نویسنده در نشریه های مختلف و از بخشهای خبری استفاده گردیده است.

www.esalat.org